

اشاره:

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مقام معظم رهبری - به اعتراف دوست و دشمن - مدیریت عالی و خلاقانه ایشان در شرایط حساس و بحرانی است. اداره یک جامعه در شرایط عادی، شاید کار دشواری نباشد، به ویژه برای مدیران و رهبرانی که از تجربه لازم برای اداره جامعه برخوردار باشند، اما توانمندی یک مدیر و ساکناندار کشتی هنگامی ظاهر می‌شود که در لحظات بحرانی و در میان توفان حوادث، کیان نظام را به سلامت به ساحل مقصود برساند. آنچه در ادامه می‌آید، بررسی اجمالی تدابیر رهبر معظم انقلاب در برابر چالش‌های داخلی می‌باشد.

مدیریت رهبری در بازگشت گفتمان امام در خرداد سال ۸۴

انتخابات نهم، رأی به گفتمان امام و رهبری

سمیه طاهریان

آقای محمود احمدی نژاد با کسب ۱۷ میلیون و ۲۴۸ هزار و ۷۸۲ رأی، رئیس جمهور ایران شد. هر چند این جمله ارزش خبری نداشته و سوخته محسوب می شود، اما گویای حقایقی است که کمتر به آن توجه شده است. چه شد که پس از سالها تلاش اصلاح طلبان تجدیدنظر طلب و پی گیری طرح استحاله و فروپاشی از درون، نام مردی اصولگرا با شعارهای انقلابی از میان صندوقها بیرون آمد؟ رویدادی که روزنامه آلمانی «اشپیگل» درباره آن می نویسد: «این انتخابات را باید به عجایب هفت گانه دنیا افزود؛ چرا که مردم ایران پس از ۲۷ سال مرارت و سختی، به نامزدی رأی دادند که از او بوی خمینی به مشام می رسد.»^۱

به واقع سابقه اجرایی چند ساله آقای احمدی نژاد در استانداری اردبیل و فرمانداری ماکو و شهرداری تهران علت و سبب پیروزی او در انتخابات و جلب آرای مردم نبوده است. او غیر از آذربایجان و تهران، در میان شهرهای دیگر ایران چندان چهره شناخته شده ای نبود. در حقیقت او اصولگرایی بود با شعارهای امام و انقلاب که به گفته فرد هالیدی (متفکر غربی): «پیروزی اش را مدیون تفکر عمومی بود که خواهان ادامه مرام های بلندپروازانه انقلاب و پایبندی به ارزش های اسلامی است.»^۲ مسئله این است که تفکر عمومی جامعه را چه کسی هادی است؟ با دقت که بنگریم، پشت صحنه این گونه پیروزی های بزرگ و گذر از چالش های رویاروی انقلاب، قامت مردی نمایان می شود که در جایگاه سکانداری ایران اسلامی بر مردم ولایت دارد و تفکر عمومی جامعه را سامان می دهد و هدایت می کند. بعد از این که در سال ۱۳۳۸ آیت الله خامنه ای از سوی نمایندگان مجلس خبرگان به عنوان رهبر نظام جمهوری اسلامی شناخته شد، همواره با دوراندیشی، بسیاری از چالش ها و بحران های رویاروی نظام را رصد و از قبل هشدار داده اند و با تدابیر هوشمندانه، خطرها را به فرصت و پیروزی بدل کرده اند.

از همان اوایل دهه هفتاد هشدارهای امام خامنه ای در خطبه های نماز جمعه و دیدارهای مردمی درباره رواج و گرایش اشرافی گری در بین مدیران نظام، بیان کننده اتفاقات میان مسئولان و دولتمردان بود که رفته رفته زمینه چالش هایی بزرگ را فراهم می کرد؛ چالش های اقتصادی که به نوعی بستر ساز مشکلات فرهنگی و سیاسی در دولت های بعد شد.

مقطع سال های ۶۸ تا ۷۶؛ دوران حاکمیت کارگزاران سازندگی و فاصله گیری سران و مدیران سازندگی از مدیریت فقهی امام و رهبری و توجه به رویکرد شبه علمی تعدیل اقتصادی و توسعه خطی منهای عدالت بود؛ طرحی براساس مدل های کپی برداری

شده از اقتصاد و بازار آزاد و دستورالعمل های صندوق بین المللی پول. در واقع می توان گفت نوعی لیبرالیسم با ظاهری مذهبی که طرح های توسعه صنعتی و مدرن سازی و آزادسازی واردات را اجرا کرد و از ثمراتش ترویج اشرافی گری و افزایش خارج از ضابطه ثروت قشر محدودی از مدیران و

ایجاد فاصله طبقاتی بود.

در این زمان، امام خامنه ای در کنار بیدارباش های مکرر خود در تبیین معانی والای تقوا و زهد اسلامی و ساده زیستی و بیان اهمیت انتخاب مسئولان و مدیران با ویژگی هایی همچون وظیفه شناسی، جدیت در کار و تقوا؛ به گفتمان سازی در موضوع اقتصادی و فرهنگی پرداختند و گفتمان اقتصاد اسلامی را به عرصه اجتماع وارد ساختند، عدالت اقتصادی را به مطالبات عمومی جامعه تبدیل کردند و در مواردی از سرعت گرفتن برنامه های موسوم به «توسعه اقتصادی» به دلیل فشاری که بر کرده اقبال آسیب پذیر و محروم جامعه وارد می آورد، جلوگیری به عمل آوردند؛ برنامه ای که به دلیل ماهیت ابزاری و سرمایه ای خود، موجبات بروز برخی ناعدالتی ها و تبعیض ها را فراهم می ساخت.

اما در عمل برخلاف حساسیت های ایشان - مبنی بر این که: «نظام اسلامی نظام سرمایه داری نیست. نظام سرمایه داری به جمع ثروت، به رونق اقتصادی و به مجموع درآمد ملی نگاه می کند و برایش مهم نیست که این ثروت چگونه به دست می آید؟ به دست کی می آید؟ و چند درصد مردم و چگونه از آن استفاده می کنند.»^۳ - با حمایت های رئیس جمهور وقت از مدیران خود، ائتلافی از مدیران و وزراء و معاونان کابینه به وجود آمد که در آستانه انتخابات مجلس پنجم، حزب کارگزاران سازندگی را تأسیس کردند؛ حزبی که اعضای آن بعدها با کجروی های اقتصادی و فرهنگی - مانند غلامحسین کرباسچی - زمینه چالش های بزرگ تر را فراهم آوردند.

با انتخاب سیدمحمد خاتمی در خرداد ۷۶ با حمایت های مالی کارگزاران، طیفی از تجدیدنظر طلبان که مدعی اصلاح طلبی بودند، قسوه مجریه را بر عهده گرفتند. هدف این گروه، تجدیدنظر در اصول انقلاب اسلامی و ارایه تفسیر جدید و انحرافی از اندیشه امام علیه السلام بود که با توسعه سیاسی و آزادی بیان و گسترش مطبوعات؛ نهادهای کردن ارزش های لیبرالی و فرهنگ غربی را دنبال می کرد. در این اوضاع، ارائه تعاریف جدیدی از دموکراسی، مردم سالاری، حقوق بشر، جامعه دینی و ... که در سایه هوشمندی امام خامنه ای به دست آمد، هجمه نظری و ایدئولوژیک مدعیان اصلاح طلبی را به یک فرصت بی بدیل بدل کرد تا مفاهیم بلندی همچون مردم سالاری دینی، جامعه مدنی نبوی و اصول گرایی اصلاح طلبانه؛ در خدمت تحکیم مبانی انقلاب و اندیشه امام علیه السلام قرار گیرند.

یکه تازی مطبوعات زنجیره ای در جهت اجرای پروژه هایی چون نافرمانی مدنی، استحاله از درون، براندازی خاموش، مقاومت مدنی، فشار از پایین و چانه زنی از بالا؛ با میدان داری رهبری



ناکام ماند. ایشان در برابر پروژه فشار اعلام کردند: «اگر فشار بیاورید حادثه کربلا تکرار خواهد شد، نه صلح امام حسن علیه السلام» و در پاسخ به سردمداران پروژه فشار و استحاله از درون فرمودند: «اصلاحات در ذات و هویت انقلاب است.»^۴ امام خامنه ای مرزهای اصلاحات انقلابی و آمریکایی را مشخص

روزنامه آلمانی «اشپیگل»: «این انتخابات را باید به عجایب هفت گانه دنیا افزود؛ چرا که مردم ایران پس از ۲۷ سال مرارت و سختی، به نامزدی رأی دادند که از او بوی خمینی به مشام می رسد.»



کردند و علت پیگیری و تبلیغ اصلاحات توسط آمریکایی‌ها را یک طرح همه‌جانبه برای فروپاشی جمهوری اسلامی دانستند که جوانب آن از همه جهت سنجیده شد:

«این طرح، طرح بازسازی شده‌ای است از آنچه که در فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی اتفاق افتاد. به نظر خودشان می‌خواهند همان طرح را در ایران پیاده و اجرا کنند.»^۶

البته به فرموده رهبری، اشتباهشان در این بود که: «نقش بی‌بدیل رهبری دینی و معنوی در ایران شوخی نیست.»^۷

آنچه مهم است این‌که راهبری عظیم رهبری در طول دوران اصلاحات، پیش‌بری جامعه در شرایط عادی نبود. هنر مدیریتی ایشان زمانی زیباتر رخ می‌نمایند که اوضاع بحرانی و توفان حوادثی چون قتل‌های زنجیره‌ای، توسعه تضاد درون نظام، اصلاح قانون مطبوعات، لوایح دوقلو، همراهی مجلس ششم با دگراندیشان و ارسال توهین‌نامه نمایندگان اصلاح طلب و شبه‌کودتای ۱۸ تیر را به یاد آوریم که چه طور فضای سیاسی جامعه را ملتهب می‌ساخت و همه به دست توانمند تدبیر رهبری، مدبرانه به فرصتی برای پالایش نظام از نیروهای نفوذی و شکل‌گیری صف‌بندی نیروهای خودی و غیرخودی در جریان‌های سیاسی کشور بدل شد. بعد از غائله ۱۸ تیر، مقام معظم رهبری تشکل‌های سیاسی مختلف را جدا جدا دعوت کردند و طی ۵۰ دیدار حضوری با سران احزاب، گروه‌ها، انجمن‌ها و نمایندگان از حوزه و دانشگاه؛ به ضرورت وفاق میان نیروهای نظام تذکر دادند و از آن‌ها خواستند تا وحدت و یکدلی را در عرصه سیاسی کشور فراهم کنند تا این‌گونه چالش‌ها به وجود نیاید. بعد از این تدبیر، گروه‌های اصولگرا و طرفدار ارزش‌های اسلامی با یکدیگر متحد شده و وارد عرصه انتخابات شدند.

شکل‌گیری فضای عدالت‌خواهانه و ضد فساد پیش از انتخابات ۸۴، محصول گفت‌وگوهای سازای رهبر انقلاب بود. تأکید ایشان بر مسئله

عدالت، طرح مبارزه با فقر و فساد و تبعیض به عنوان اصلاحات واقعی و فرمان هشت ماده‌ای ایشان به مبارزه قاطع با مفاسد اقتصادی؛ فضای گفت‌وگویی را به وجود آورد که عدالت‌خواهی و ضدیت با فساد را به مطالبات اصلی مردم در سال ۸۴ تبدیل کرد و ثمره‌اش انتخاب نامزد اصولگرا با شعار «عدالت و مهرورزی» برای ریاست جمهوری بود.

انتخابات دهم ریاست جمهوری و حوادث بعد از آن را باید یکی از پیچیده‌ترین شرایط در دوران رهبری امام خامنه‌ای دانست. شاید اولین بار بود که جریان‌ها، گروه‌ها و شخصیت‌های شناخته شده و مسئولان و رسانه‌ها و نهادها، داشته‌های خود را بدون ملاحظه‌های مرسوم رو کردند، بسیاری از باورها رنگ باخت و باورهای زیادی از نو ساخته شد. در این میان رهبری صبورانه رهبر انقلاب، رنگی دیگر داشت.

ایشان این بار نیز با هوشمندی کامل، از مدت‌ها قبل خطر را دریافتند و نسبت به تردیدافکنی درباره سلامت انتخابات هشدار دادند؛ از جمله در سخنانشان در مشهد فرمودند:

«انتخابات به فضل الهی و به حول و قوه الهی انتخابات سالمی است. من می‌بینم بعضی‌ها در انتخابات که دو سه ماه دیگر انجام خواهد گرفت، از حالا شروع کرده‌اند به خدشه کردن.»^۸

فضای بعد از انتخابات و زیر سؤال بردن سلامت انتخابات توسط جریان مغلوب، به خوبی اهمیت تأکیدات رهبری را نشان داد. سنجدین حق با اشخاص، سابقه و مواضع پیشین جریان فتنه، جابه‌جا شدن متن و حاشیه و مسائل اصلی نسبت به فرعی، غفلت از مرزبندی با دشمن، برخی حواشی منفی و نقاط ضعف طرف پیروز که به اشتباه با اصل نظام و انقلاب یکی انگاشته شد؛ فضا را چنان غبارآلود کرده بود که حتی بسیاری از وفاداران به نظام نیز آمادگی‌های تحلیلی و عملی برای برخورد با شرایط پیش آمده را نداشتند. در چنین موقعیتی طرح «بصیرت» به صورت یک گفت‌وگو



ارائه تعاریف

جدیدی از

دموکراسی،

مردم‌سالاری، حقوق

بشر، جامعه دینی

و ... که در سایه

هوشمندی امام

خامنه‌ای به دست

آمد، هجمه نظری و

ایدئولوژیک مدعیان

اصلاح‌طلبی را به

یک فرصت بی‌بدیل

بدل کرد.

و راهبرد روشنگری و شفاف‌سازی در برابر فتنه، با محوریت شخص امام خامنه‌ای، اقدامی مدبرانه و مشکل‌گشای حوادث بعد از انتخابات شد.

اولین مرحله، حفظ جریان شکست خورده در چارچوب نظام و جلوگیری از شکسته شدن مرزهای قانون بود. با به حضور پذیرفتن موسوی - بعد از صدور بیانیه و شعبده‌بازی خواندن انتخابات - و اشاره به تحریکات دشمن و طرح‌های به آشوب کشیدن خیابان‌ها، رهبری خطاب به موسوی فرمودند: «جنس شما با این گونه افراد متفاوت است و لازم است کارها را با متانت و آرامش پیگیری کنید.»^۹

امام خامنه‌ای در گام‌های بعد، با صبر و حوصله در برابر توهین‌ها و گستاخی‌ها، با بیش از ۳۰ سخنرانی مردم را مرحله به مرحله در رویارویی با فتنه آماده می‌ساختند و در یک بازه زمانی ۶-۷ ماهه به تمام حجت با جریان فتنه برای بازگشت و جبران خطاها پرداختند. معترضان را از ضد انقلاب جدا دانستند، با نخبگان به صراحت سخن گفتند و وظایفشان را یادآور شدند، سیاست نظام بر جذب حداکثری را تبیین نمود، با بازخوانی تجربه ده ساله اول انقلاب در برابر جریانات و حوادث و برجسته‌سازی مسئله برائت از ضد انقلاب و در انفعال قرار دادن جریان فتنه؛ گفتمان بصیرت را نهادینه کردند. با این تمهیدات و پس از قانون‌شکنی‌های روز قدس، ۱۳ آبان، ۱۶ آذر و حوادث عاشورا، غبار فتنه کم‌کم فرو نشست و جریان ضد انقلاب نمایان‌تر شد تا آن‌که در ۹ دی و ۲۲ بهمن با نمایش اقتدار مردمی و انزوای فتنه‌گران، شاهد ثمربخشی تدابیر امام خامنه‌ای در مواجهه با چالش نفس‌گیر دیگری بودیم. حالا چند وقتی است که بزرگان، خبر از فتنه‌ای دیگر می‌دهند. نفوذی‌هایی موسوم به جریان انحرافی، با رخنه در بدنه قوه مجریه، استحاله جهت‌گیری‌های اصولی و انقلابی دولت آقای احمدی‌نژاد را در دستور کار دارند. پس از انتخابات ۸۸ این باور غلط در مرکزیت این جریان ایجاد شد که آنان دارای جایگاه ۳۰ میلیونی می‌باشند و براساس این باور سعی کردند نظام و ولایت را در عمل انجام شده قرار دهند. تصمیم‌سازی برای عزل و نصب‌های ناگهانی، اظهارات غیرکارشناسانه و مغایر با گفتمان اسلامی در حوزه سیاسی و فرهنگی و برگزاری همایش ایران‌پان خارج از کشور؛ نمونه‌هایی ناظر بر این مرحله است.

طرح مکتب ایرانی و فراهم نمودن شرایط عبور اصولگرایی از احمدی‌نژاد و بالعکس، القاء غلط از تحولات منطقه‌ای برای تبدیل سیاست خارجی تهاجمی دولت به سیاستی خنثی بعد از برکناری متکی، عزل وزیر اطلاعات و انتحار سیاسی یازده روزه بعد از ابقای وزیر برای مخدوش کردن فصل الخطاب بودن رهبری؛ نوعی علنی ساختن چالش با نظام بود که در عین حال با کنار کشیدن خود، هزینه‌ها را بر ریاست‌جمهوری تحمیل کردند که صد البته شخص رئیس‌جمهور نیز در مورد این جریان‌های انحرافی، بی‌تقصیر نیست.

شاید نتوان گفت و مدعی شد همه آنچه بیان می‌شود، تدابیر خاصه رهبری در مواجهه با جریان انحرافی و یا همه تدابیر ایشان در برابر این جریان است، اما به نظر می‌رسد تبیین مکتب امام راحل^ع به عنوان خط مشی انقلاب و سرمایه ملت در گذرگاه‌های دشوار به این‌که فرمودند: «مکتب امام یک بسته کامل است... یک راهنمای نظری و عملی است که کشور و ملت را به عزت و پیشرفت و عدالت می‌رساند»^{۱۰}، در کنار حفظ گفتمان بصیرت؛ همه آن چیزی باشد که مسئولان و مردم برای مواجهه با انحرافات به آن نیازمندند. از سوی دیگر ارائه تحلیل صحیح از تحولات منطقه و بیداری

اسلامی خواندن آن و حتی پیش‌بینی رسیدن این حرکت به قلب اروپا، علاوه بر بُعد بین‌المللی، طرازی برای نمایش زاویه گرفتن جریان انحرافی از حقیقت و واقعیت است. حمایت ایشان از کار و خدمت هر جا که باشد، بدون قضاوت بر اشخاص، بیم و امیدی سازنده برای تلاش در راه صحیح به همراه می‌آورد و ترس از انحراف و اشتباه و دعوت‌شان به همراهی و همدلی در اداره کشور. همچنین هم‌افزایی مجلس و دولت طرحی برای در حاشیه نگه داشتن جریان انحرافی و جابه‌جا نشدن مسائل اصلی و فرعی در کشور است.

نایمیدن سال ۸۹ به «همت مضاعف، کار مضاعف» و سال ۹۰ با عنوان «جهاد اقتصادی» و سال ۹۱ به «تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه داخلی» علاوه بر حفظ خطوط اصلی حرکت نظام، مانعی در برابر نشر عقاید انحرافی مبنی بر ظهور صغرا و اتمام راه انقلاب و ولایت است که شروع جهاد بعد از ۳۰ سال، خود آغاز راه است.

تأکید بر مصلحت نظام و مردم؛ ظهور و بروز قدرت ولایت و فصل الخطاب بودن اوست در عین قانون‌مداری، آن‌جا که فرمودند:

«بنده طبق اصول بنا ندارم در کارها و تصمیم‌های دولت وارد شوم. خب مسئولیت‌ها در قانون اساسی مشخص است. هر کس مسئولیتی دارد، مگر آن‌جایی که احساس کنم یک مصلحتی دارد تقویت می‌شود. خب انسان وارد می‌شود که جلوی این تقویت مصلحت را بگیرد... تا من زنده هستم، تا من مسئولیت دارم، به حول و قوه الهی نخواهم گذاشت این حرکت عظیم ملت به سوی آرمان‌ها ذره‌ای منحرف شود.»^{۱۱}

پی‌نوشت‌ها:

۱. نوشته رضا سراج، به نقل از www.tabnak.ir.

۲. همان.

۳. بیانات رهبری در مراسم تنفیذ آقای خاتمی در سال ۱۳۷۶.

۴. بیانات رهبری در دیدار با جوانان در مصلاهی بزرگ تهران؛

۱۳۷۹/۲/۱.

۵. بیانات رهبری در جمع کارگزاران نظام؛ ۷۹/۴/۱۹.

۶. همان.

۷. همان.

۸. بیانات رهبری در مشهد مقدس؛ ۱۳۸۸/۱/۱.

۹. بیانات رهبری در دیدار با سران فتنه؛ ۱۳۸۸/۳/۳۰.

۱۰. بیانات رهبری در بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی^ع؛

۱۳۹۰/۲/۳.

منابع:

۱. چهل تدبیر، علی‌الفت‌پور.

۲. اصلاحات، راهبردها، خطرها؛ بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع

کارگزاران نظام.

۳. روزنامه کیهان.

۴. www.leader.ir.

۵. www.tebyan.ir.

۶. www.bashgah.ir.

۷. www.tabnak.ir.

طرح «بصیرت» به صورت یک گفتمان و راهبرد روشنگری و شفاف‌سازی در برابر فتنه، با محوریت شخص امام خامنه‌ای، اقدامی مدبرانه و مشکل‌گشای حوادث بعد از انتخابات شد.